خراسان روزنامه صبح ایران
یک‌شنبه ۱۹ اسفند ۱۳۹۷ .۳ رجب ۱۴۴۰ .شماره ۲۰۰۵۷

فعالیت ۲۵ هزار کانون فرهنگی مساجد در کشور

دبیر ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد گفت: تاپایان امسال، تعداد کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور به ۲۵ هزار کانون افزایش پیدا می‌کند. به گزارش ایرنا، حجت‌الاسلام حبیب رضا رزانی در همایش «گام دوم انقلاب با مسجدی‌ها» اظهار کرد: از ابتدای سال ۹۷ ،نام بیش از ۲۳ هزار کانون در سامانه جامع این مجموعه ثبت شده است که تاپایان سال، حدود دو هزار کانون دیگر نیز به آن افزوده خواهد شد.

رهبر معظم انقلاب با تبیین مفهوم «حوزه انقلابی» تاکید کردند

ظرفیت حوزه برای پاسخگویی به همه نیازهای نظام و جامعه اسلامی

عکس: khamenei.ir

مقام معظم رهبری در دیدار اعضای موسسه عالی فقه و علوم اسلامی، رهنمودهایی را در حوزه های مختلف مرتبط با استادان و طلاب علوم دینی مطرح کردند. مشروح بیانات معظم له در این دیدار، به نقل از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب در پی می آید.

■ لزوم رسیدگی به همسر و خانواده

بسم ا... الرّحمن الرّحیم(۱)

والحمدلله ربّ العالمین والصّلاة والسّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی القاسم المصطفی محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین سیّما بقیّة ا... فی الارضین.

خیلی خوش آمدید آقایان محترم، برادران عزیز، جناب آقای صدر، آقایان اساتید، آقایان طلّاب و خانم ها که تشریف آوردید. این جلسه، جلسه بسیار خوب و با نشاطی است؛ هم فرمایشات آقای صدر، فرمایشات مفیدی بود و سنجیده و حساب‌شده بود، هم بیانات خیلی خوبی که این برادر عزیزمان، فرزند عزیزمان، [این] طلبه محترم از قول طلّاب بیان کردند، فرمایشات خوبی بود. البته سؤالات را بنده لازم نیست جواب بدهم، این ها را از خود آقایانی که مسئولین مؤسّسه هستند باید سؤال کنید، بنشینند پاسخگویی کنند، بگویند. بله، دعا خواستید، حتماً دعا می کنم، یقیناً ان‌شاءا... دعا می کنم.

در مورد خانواده ها - که هم در بیانات آقای صدر بود، هم این جوان عزیز بیان کردند- بله بنده هم به این نکته توجّه دارم که نقش همسران و خانواده‌ها در موفّقیّت های مردان خیلی زیاد است؛ این را ما به تجربه هم دریافته ایم و اگر چنان چه همسر انسان، همراه و همگام و هم‌هدف و هم‌سنگر باشد، پیشرفت خیلی سرعت خواهد گرفت، این [نقش] هست؛ لکن همه مسائل خانواده و خانوادگی مسائل عقلانی نیست که حالا با این استدلال همه قانع بشوند، همه قبول کنند؛ یک مقداری از آن مسائل عاطفی است، مسائل واقعی است، مسائل زندگی است. این که آقای صدر فرمودند «طلبه ساعت شش صبح از خانه بیرون می‌آید، ساعت نُه شب برمی گردد»، خب بنده اصلاً با یک چنین چیزی مخالفم. چرا شش صبح؟ ده ساعت شما برای طلبه یا استاد وقت گذاشتید که کار کنند که البته زمان زیادی است [این] ده ساعت؛ حالا بالاخره برنامه شما این است، بنده هم که طبعاً در جزئیّات برنامه دخالتی نمی کنم اما از شش صبح تا نُه شب پانزده ساعت است، نه ده ساعت! چرا؟ آقایان می‌آیند درسشان را می خوانند، کارشان را می کنند، احیاناً یک ذرّه گعده‌شان را می کنند، بعد یک مجلس روضه‌ای هست می روند؛ لزومی ندارد، نه. به خانواده‌ها باید برسید؛ همسر شما نیاز به حضور شما دارد؛ این مهم است. البتّه حضور به معنای این نیست که همه‌اش بروید در خانه بنشینید؛ آن [جور] هم همسرتان قطعاً راضی نیست و دل‌زده می شود، می گوید چرا سرِ کار نمی روند؛ امّا این که پیدا نباشید، نَه، این خوب نیست، این مناسب نیست. البتّه برهه‌ای از زندگی خود بنده که دارم این را به شما عرض می کنم، با همان شکلی گذشته که حالا می گویم مخالفم با آن! یعنی این جوری بوده. اوایل انقلاب بنده صبح از خانه می رفتم بیرون در حالی که همه بچّه‌ها خواب بودند؛ شب هم برمی گشتم خانه، در حالی که همه بچه‌ها خواب بودند. یعنی واقعاً جوری بود [که نمی شد]؛ منتها آن جا غیر از این نمی شد، اصلاً امکان نداشت، به قول معروف فرصت سرخاراندن هم واقعاً نداشتیم؛ لکن شما که حالا در وضع عادی الحمدلله زندگی می کنید و استقرار دارید، به خانواده‌ها برسید. خانم ها هم البتّه باید اشتغالات داشته باشند؛ بهترین اشتغال هم اشتغال علمی است. شنیدم که بعضی از خانم‌ها، دختران، در مجموعه‌های طلبگی بانوان شرکت دارند؛ خوب است که بالاخره مشغول کار و علم و بحث و مانند این ها باشند؛ خیلی خوب است.

راجع به مسئله این مؤسّسه عالی فقه، خب ما ادّعا نداریم که این تنها نقطه‌ای است که در قم دارد فعّالیّت می کند، نه؛ الحمدلله همان طور که اشاره کردید، نقاط گوناگونی هستند که همه مشغول کارند؛ شروع این کار هم ناشی از یک احساس [مسئولیّت بود]؛ خب الحمدلله جناب آقای صدر با شایستگی کامل، شانه‌شان را زیر این بار داده‌اند و به طور جدّی مشغول به این کار شده‌اند؛ انگیزه این کار به خاطر نگاه و توجّه به اهمّیّت حوزه و ظرفیّت های فراوان و بی‌شمار استفاده‌نشده از حوزه و اقتضای نظام جمهوری اسلامی نسبت به استفاده از این ظرفیّت ها بود.

■ آن چه زندگی را اداره می کند، عملاً فقه ماست

یک طرف قضیّه یک نظام اسلامی است که اقتصاد هست - حالا اقتصاد را مثال زدند- حکومت هست، فرهنگ هست، دانش روز هست، فنّاوری‌های جدید عالَم هست، ارتباطات گوناگون اجتماعی هست، سبک زندگی هست؛ دائم تفکّرات و نظرهای جدیدی که در زندگی اثر می گذارند، دارد در دنیا به وجود می آید و صادر می شود؛ این ها هست. ما یک نظامی داریم با این پدیده‌ها و با این حوادثی که پیرامونش و در درونش وجود دارد؛ این [نظام] باید اداره بشود با اسلام، با فکر اسلامی. فکر اسلامی در جنبه عملی، همان فقه اسلام است؛ البتّه بنده با فلسفه خواندن، نه فقط مخالف نیستم بلکه کاملاً تأیید می کنم، فلسفه هم لازم است؛ حالا چه جوری داخل برنامه‌های شما بشود، آن ها به برنامه‌ریزی مدیران محترم آن جا بستگی دارد؛ لکن فلسفه خوب است، لازم است، نه این که فقط خوب است؛ لازم است؛ در این تردیدی نیست؛ لکن آن چه زندگی را اداره می کند، عملاً فقه ماست؛ علّت هم این است که فلسفه اسلامی در طول زمان امتداد عملی نداشته؛ یعنی این حکمت نظری ما به حکمت عملی امتداد پیدا نکرده؛ در حالی که فلسفه‌های غربی که از لحاظ نفْس فلسفه بودن خیلی کم محتواتر و ضعیف‌تر از فلسفه اسلامی هستند، امتداد عملیّاتی دارند؛ یعنی اگر چنان چه شماها مثلاً فرض کنید که فلسفه کانت یا هگل یا مارکس را معتقد باشید، در مورد حکومت نظر دارید، در مورد فرد نظر دارید، در مورد ارتباطات اجتماعی نظر دارید؛ امّا [این که] اقتضای فلسفه ملّا صدرا یا فلسفه فرض بفرمایید که ابن سینا یا دیگری در حکومت یا در فلان [مسئله] چیست، چیزی برای ما روشن نشده؛ نه این که ندارد، قطعاً دارد؛ سفارش من به متفلسفین و فعّالان فلسفه همیشه این بوده که این امتداد را پیدا کنند؛ چون معتقدم اثر دارد؛ این امتداد وجود دارد امّا خب روی آن کار نشده؛ بنابراین فعلاً آن چه می تواند جامعه را اداره کند، فقه ماست؛ خب پس این اقتضای بیرونی و نیاز بیرونی، این هم حوزه.

■ ظرفیت های بی‌شمار حوزه علمیه

عرض کردیم، حوزه علمیّه یک ظرفیّت های بی‌شماری دارد؛ حقیقتاً ظرفیّت های بی‌شماری دارد. این دقّت هایی که انسان در مباحث فقهی و در مسائل کم‌اهمّیّت در بین فقها مشاهده می کند - که از لحاظ عملی و از لحاظ جایگاهش در مجموعه احکام اسلامی خیلی چیز مهمّی نیست- واقعاً شگفت‌آور است؛ یعنی این جور [دقّت های] عمیق و ریزبین و ژرف‌نگر، در کارهای فقهی ما و در علمای ما وجود دارد؛ خب این خیلی ظرفیّت مهمّی است، این خیلی چیز مهمّی است. بنده یک مدّتی یک بحث قصاص می کردم و نظرات حقوق‌دان‌های غربی را دوستانی که با ما همکاری می کردند و بلد بودند، این ها را برای بنده می آوردند و من گاهی اوقات نگاه می کردم به نظراتی که آن ها داشتند در مسائل گوناگون. خب تعمّق های خوبی هست در کارهایشان، امّا واقعاً با آن دقّتی که مثلاً فرض کنید صاحب جواهر یا مِن باب مثال مرحوم آقای خوئی -فقیه معاصر خود ما- یا دیگری در این زمینه دارند، خیلی فاصله دارد؛ این ها خیلی عمیق‌ترند، خیلی ژرف‌نگرترند، خیلی به لوازم فتوا و نظر خودشان متوجّه‌ترند؛ خب این ها ظرفیّت حوزه است.

این حوزه می تواند همه نیازهای یک نظام اسلامی را، جامعه اسلامی را برآورده کند و همین طور که آقای صدر گفتند، اگر چنان چه نهادسازها -یعنی مثلاً فرض کنید بانک مرکزی یک نهاد است، یا دستگاه دانشگاه یک نهاد است- برای مدیریّت اسلامی خودش سؤالی پیدا کند، به چه کسی باید مراجعه کند؟ به حوزه باید مراجعه کند. الان این اتّفاق نمی افتد، یعنی این کار الان وجود ندارد. یک نمونه‌اش را حالا مثلاً شما ملاحظه کنید که غالباً شبیه این نمونه، خیلی خیلی خیلی نادر است؛ مثلاً فرض کنید که یک روزی پاکستانی‌ها در صدد برآمدند بانک اسلامی درست کنند؛ فراخوان دادند به فقهای دانشمندان اسلامی؛ مرحوم شهید صدر آن البَنک اللاربَوی(۲) را نوشت و فرستاد؛ خب آن یک نمونه است. حالا آن البَنک اللاربَوی چقدر جواب نهاد بانک را در دنیای امروز می دهد، آن بحث دیگری است که حالا ممکن است نواقصی داشته باشد امّا بالاخره یک پاسخی داده شد، شما چند نمونه از این پاسخ ها سراغ دارید؟ خیلی کم، خیلی کم؛ اگر دوّمی‌ای، سوّمی‌ای داشته باشد، مسلّماً دهمی ندارد؛ در حالی که حوزه این توان را دارد، سبک کار در حوزه و سبک تحقیق در حوزه جوری بوده که دقّت نظر و ژرف‌نگری و عمق‌یابی جزو طبیعت کار حوزه است؛ و این جزو امتیازات ماست و حوزه می تواند این کار را انجام بدهد و حالا امروز با توجه به این نیازها، این انگیزه بیشتر شده، پس باید حوزه تحقّق ببخشد این آرزو را. این بود که ما به فکر افتادیم که این کار را حالا از یک گوشه‌ای شروع کنیم. البته عرض کردم: ادّعا، این نیست که [این کار] فقط همین جا هست؛ دیگران هم دارند می کنند، در مؤسّسات خوب و مفیدی که در حوزه بحمدا... هست، دارند کارهایی را انجام می دهند [منتها] این هم یک مجموعه‌ای است.

به نظر من آقای صدر و دوستانشان خوب برنامه‌ریزی کرده‌اند، همکارانشان خوب برنامه‌ریزی کرده‌اند، این برنامه‌ریزی برنامه‌ریزی خوبی است. این «تحت اِشراف» هم که گفته می شود، معنایش این نیست که بنده نسبت به برنامه‌ها نگاه می کنم، دقّت می کنم، اظهار نظر می کنم؛ نه، من اصلاً نه مجالش را دارم، نه فرصتش هست؛ این [کار] را خود آقایان می کنند؛ حالا بالاخره به‌نحوی به ما منتسب است امّا مربوط به خود آقایان است که دارند کار می کنند.

عرض من این است: اوّلاً این سبکی که ذکر کردند در تدریس و تدرّس که طلبه مشارکت می کند در پاسخ‌یابی، سبک خوبی است، سبک مفیدی است؛ منتها خب تسلّط استاد و تصرّف استاد، نبایستی تحت‌الشّعاع قرار بگیرد؛ بالاخره استاد است که دارد هدایت می کند، دارد کار می کند و جمع‌وجور می کند؛ وَالّا اگر چنان چه مطلب سپرده بشود به اذهان ده نفر، بیست نفر طلبه‌ای که حالا در این کلاس هستند، این معلوم نیست به یک نظام و مجموعه درستی [برسد]، باید استاد هدایت بکند؛ [امّا] اگر این ها هم کمک کنند و همراهی کنند خوب است.

در مورد اصول که ایشان فرمودند متوسّط [دوره] آن در حوزه پانزده سال است، خیلی برای من تعجّب‌آور است و این هیچ خبر خوبی نیست از نظر بنده. اصول خب لازم و ضروری است؛ برای تفقّه، بلاشک اصول لازم است. خب مرحوم آقای خوئی (رضوان ا... علیه) فقیه اصولی بود دیگر؛ از ایشان اصولی‌تر کیست؟ در فقه او هم کاملاً اصول واضح است، آشکار است؛ من شنیده‌ام که دوره اصول ایشان پنج سال طول می کشید؛ خب ایشان مثلاً چه کار می کرده؟ چه چیزی را از اصول می انداخته که پنج سال می شده؟ یعنی بنابراین می شود اصول را پنج سال گفت، می شود شش سال گفت. متوسّط که پانزده سال است، یعنی مثلاً تا بیست سال هم دارد! چقدر بخوانند؟ چرا بخوانند؟ به چه درد شان می خورد؟ کجای فقه استفاده می شود از این اصول؟ نه، به نظر من یک مقداری در مورد اصول بایستی جمع و جورتر و به اصطلاح مُضیَّق‌تر(۳) حرکت کرد، مواظبت کرد؛ غیر از فقه است؛ فقه باز است، هر چه می توانید در زمینه‌های فقهی کار کنید، به نظر ما خیلی خوب است.

این سؤالاتی که این برادر عزیزمان، این جوان عزیز کردند، سؤالات قابل توجّهی است؛ خواهش من این است که جناب آقای صدر و بقیّه برادرها بنشینند [این ها را] برای طلّاب روشن کنند؛ لکن این را می خواهم سفارش بکنم که جوان ها توجّه به جوانی خودشان داشته باشند؛ یعنی همه آن چیزی که شما می خواهید و احساس می کنید، مورد نیاز شما نیست، برایتان مفید هم نیست. منتظر نباشید که سی سال بگذرد پیر بشوید، بعد این را بفهمید. خب ما آن سی چهل سال بعد از شما را گذرانده‌ایم، یک چیزهایی را ما می دانیم؛ از تجربه کسانی که تجربه کردند، استفاده کنید. همه این چیزها لازم نیست؛ این که حالا آدم مثلاً برای تحلیل سیاسی باید چه جوری عمل بکند و مثلاً از نظرات چه کسی و تضارب آراء استفاده کند، نه، این ها معلوم نیست که کلّیّت داشته باشد؛ یک مواردی ممکن است لازم باشد، یک چیزی لازم باشد. امّا من می خواهم این را عرض بکنم که طلّاب این مجموعه دنبال اساتیدشان حرکت کنند، یعنی به نظر اساتید و تشخیص اساتید و کسانی که مدیران این مجموعه هستند، اهمّیّت بدهند و طبق آن حرکت بکنند و کار بکنند تا انتظام پیدا کند، تا این مجموعه یک مجموعه منتظمی باقی بماند و ان‌شاءا... پیش برود؛ اگر منتظم نبود، پیش نمی رود.

از لحاظ کمّیّت هم که حالا یک فراخوانی دادند و چون ذکر نکردید، من نمی دانم که شما چه تعدادی می خواهید طلّاب در سطوح گوناگون بگیرید، من در آن مورد نظری ندارم، بالاخره هر چه کار با دقّت و با ملاحظه انجام بگیرد و هر قدمی که می خواهیم برداریم، بدانیم که این قدم را کجا می خواهیم بگذاریم و زیر پایمان محکم باشد، این بهتر است؛ ممکن است یک مقداری با بُطء(۴) همراه باشد امّا عیبی ندارد. کار بطیء(۵) و محکم بهتر از کار سریع و متزلزل و نامحکم است.

■ نکته‌ای درباره معادل سازی مدارج حوزوی

یک نکته دیگری در ذهن من هست- البتّه این را در مورد کلّ حوزه بنده عقیده داشته‌ام که تا حالا هم نشده، بارها هم با مسئولین حوزه، به خصوص حوزه قم، مطرح کرده‌ایم [امّا] ظاهراً سخت است برایشان- که کسی که یک درسی را می خواند و به یک جایی می رسد، احتیاج به مدرک دارد، احتیاج به شهادت دارد. اشتباه بزرگ این بود که آمدند این شهادت را با شهادت های دانشگاهی مخلوط کردند؛ حالا اوّل که [حتّی] می خواستند اسمش را دکتری و مانند این ها بگذارند که غلط بود، بعد معادل دکتری [گذاشتند]؛ این هیچ لزومی ندارد. بیایید شما مشخّص کنید که [اسم] کسی که مثلاً فرض کنید این سه سال اوّل عمومی را می گذراند- یک سه سال عمومی دارید دیگر- چیست؛ اسم آن طلبه‌ای که محصول سه سال درس خواندن در این مؤسّسه است که لزوماً مطابق با سه سال درس خواندن در حوزه آزاد نیست و یک خصوصیّات بیشتری دارد چیست، یک اسمی برایش معیّن کنید. بعد یک سه سال دیگر شما دارید که کار تخصّصی در آن می کنید؛ آن کسی که آن سه سال را گذراند، یک صلاحیّت هایی پیدا می کند، برای او هم یک اسمی مشخّص کنید و مؤسّسه شهادت بدهد که او به این حد رسیده. بعد یک دو سال دارید که آن دو سال، دو سال تحقیق و پژوهش و مانند این هاست؛ آن دو سال را وقتی گذراندید، [طلبه] یک صلاحیّت های جدیدی پیدا می کند؛ همچنان که در نظام غربی دانشگاهی ما که از غرب تقلید شده، مثلاً فرض کنید که حالا آن زمان های قدیم، زمان جوانی ما، سیکل اوّل و سیکل دوّم و مانند این ها بود، همین دبیرستان هم دو قسمت بود، اسمش را سیکل اوّل و سیکل دوّم می گذاشتند، بعد دیپلم، بعد مثلاً لیسانس، بعد فوق لیسانس، بعد دکتری؛ یک درجاتی دارد؛ یعنی بر حسب صلاحیّت هایی که تعریف شده یک اسمی می گذارند و یک شهادتی می دهند؛ شما بدون این که از آن ها تقلید بکنید و بخواهید با آن ها انطباق بدهید -که مطلقاً به نظر من این کار جایز نیست که ما بیاییم با آن ها منطبق کنیم کار خودمان را و بگوییم مثلاً این برابر دکتری است، این برابر مثلاً ارشد است، این برابر [کارشناسی است]؛ این اصلاً معنی ندارد؛ چون نوع کار آن ها با نوع کار ما متفاوت است- امّا شما شهادت هایتان را مشخّص کنید؛ وقتی که آن دو سال آخر هشت سال را شما انجام دادید، یک صلاحیّتی پیدا می کنید؛ این صلاحیّت را مشخّص بکنید، یک شهادت بدهید؛ به نظر من این کار خیلی خوب است. ما البتّه از قدیم داشته‌ایم یک چنین چیزی؛ این اجازه اجتهادی که رایج بوده همین است دیگر؛ یعنی طلبه به یک نقطه‌ای می رسد که مجتهد می شود؛ قدیم معمول بود که اجازه اجتهاد به او می دادند. یا به آن که مثلاً در حدیث پیشرفت می کرد و اهل حدیث بود، مثلاً اجازه روایت حدیث می دادند، به او اجازه نقل حدیث می دادند، این کار معمول بود؛ حالا ها متأسّفانه نیست؛ واقعاً متأسفانه، چون خیلی خوب بود اگر چنان چه بود. آقایان ملاحظه می کنند، اجازه اجتهاد نمی دهند به خاطر این که نبادا یک تبعه‌ای بر آن مترتّب بشود؛ در حالی که نه؛ می شود یک جوری عمل کرد که تبعه‌ای هم مترتّب نشود. امّا حالا خود شما این کار را انجام بدهید؛ یعنی یک شهادتی برای فلان مرحله از [تحصیل بدهید]؛ این هم یک نکته.

■ ضرورت انس با قرآن کریم و تفسیر

نکته دیگر، سؤال شد که برای ورود در حدیث و قرآن یعنی اُنس با قرآن و اُنس با حدیث، حقیر چه چیزی پیشنهاد می کنم؛ من البتّه در برنامه‌های درسی نمی دانم -چون آقایان زحمت کشیده‌اند نشسته‌اند برنامه‌ریزی کرده‌اند، بنده نمی شود از کمر(۶) کار وارد بشوم بگویم تفسیر این جوری است- امّا معتقدم از تفسیر، رها و جدا نشوید؛ یعنی تفسیر حالا ممکن است جزو برنامه درسی‌تان نباشد، شاید به این که برنامه درسی باشد احتیاج هم نداشته باشید، امّا حتماً [لازم است]؛ مثلاً فرض کنید یک دوره تفسیر مجمع‌البیان؛ بسیار تفسیر خوبی است؛ مجمع‌البیان بسیار تفسیر عالمانه‌ای است، یعنی مرحوم طبرسی در یک جاهایی و در ذیل یک آیاتی، مُلایِمی خودش را و تبحّر خودش را در استدلال و استنباط نشان داده؛ گاهی اوقات این جوری است؛ یک جایی هم که البتّه احتیاج نبوده، نه؛ مثلاً فرض کنید [مجمع‌البیان]. اُنس با قرآن جداگانه و اُنس با تفسیر جداگانه، به نظر ما لازم است؛ و همین طور البتّه حدیث که شما احتیاج هم دارید؛ یعنی شما برای فقاهت چون به منابع حدیثی نیاز دارید، به رجال و به حدیث و علم حدیث و به این چیزها طبعاً احتیاج دارید؛ لابد در برنامه‌هایتان هم علی‌القاعده باید باشد، لابد در برنامه‌ها هست؛ وراه آن این است و باید انجام بگیرد.

■ مفهوم حوزه انقلابی

آن [دو] نکته آخری که می خواهم عرض بکنم: مواظب باشید جهت گیری انقلابی، مقهور هیچ کدام از این شاخص ها و مهمّات کار این مؤسّسه قرار نگیرد؛ جهت گیری انقلابی. طلبه ما، استاد ما، فاضل ما، عالِم ما، مرجع ما اگر چنان چه معتقد به این تحوّل عظیمی که اسمش انقلاب است، بود، به درد این کشور خواهد خورد. اگر معتقد به این نبود، به درد کشور نمی خورد، به درد جمهوری اسلامی نمی خورد؛ باید معتقد باشد. این که بنده می گویم حوزه انقلابی، معنایش این نیست که حالا حتماً در مثلاً فلان جا شعار [بدهد]؛ حالا یک وقت لازم هم باشد، شعار هم باید داد؛ بنده هم گاهی که لازم است، شعار می دهم لکن مهم این است که عمیقاً از بن دندان معتقد باشد که این تحوّلی که در این کشور اتفاق افتاده، باید همچنان ادامه پیدا بکند. تحوّل یک چیز متوقف‌شدنی نیست. تحوّل یعنی یک دگرگونی ای که هر روز کامل‌تر و بهتر و قوی‌تر و عمیق‌تر می شود؛ این باید ادامه داشته باشد و ما معتقد باشیم. دشمنانمان را بشناسیم، دشمنان این نظام را بشناسیم، دشمنان این حرکت تحوّلی را بشناسیم. اگر نه، کشور به رکود خواهد انجامید و مغلوب سیاست ها و گرایش های دشمنان این ملّت و دشمنان اسلام خواهد شد. امروز نگاه اسلام به مجموعه جمهوری اسلامی است؛ من به شما عرض بکنم. الان در دنیای اسلام گرایش به احیای اسلام و به زندگی اسلامی به معنای واقعی خیلی زیاد است. مردمی که، ملّت هایی که سرخورده شده‌اند از این تمدّن های مادّی غربی و شرقی، به اسلام گرایش دارند منتها ملجأیی، مرجعی، شاخصی، ستونی که به او تکیه کنند، کسی که به او مراجعه کنند ندارند؛ لذا نگاهشان به جمهوری اسلامی یک نگاه واقعی است؛ این وجود دارد. البتّه دشمن‌ها نمی گذارند و نمی خواهند این معلوم بشود امّا وجود دارد. امروز در هر کدام از این کشورهای اسلامی عربی که سرانش به خون ماها تشنه هستند، اگر چنان چه از جمهوری اسلامی یک نشانی، اثری، برگه‌ای آن جا پیدا بشود، شخصی برود، شخصیّتی برود، افرادی بروند، کتابی برود و مانع از طرف سرانشان نباشد، مردم به او اقبال می کنند. الان تقریباً همه این کشورهای اسلامی از شرق تا غرب همین جور هستند؛ از اندونزی و مالزی و مانند این ها بگیرید تا آفریقا. مردم چشمشان به این جاست؛ دنیای اسلام امروز نیاز دارد به این حرکت انقلابی ما. این کسانی که در داخل حرف می زنند، کار می کنند، اظهاراتی می کنند که با گرایش انقلابی مغایر است، ولو متضاد هم نباشد، امّا همین قدر که مغایر با گرایش انقلابی است، دارند ضربه به امید امّت اسلامی می زنند، این ضربه به آن هاست و خیانت می کنند. بنابراین حرکتتان حرکت انقلابی باشد و کار انقلابی.

■ خاطره‌ای از حالات معنوی امام(ره)

و توجّهات معنوی؛ یعنی واقعاً بدون توجّهات معنوی نمی شود، بدون توسّل، بدون دعا، بدون نماز شب، بدون مراجعه و خواندن صحیفه سجادیه نمی شود. اگر چنان چه آدم بخواهد ارتباط قلبی خودش را، ارتباط معنوی خودش را با خدا حفظ نکند و مراقبت نکند از آن، کار پیش نمی رود. خدا رحمت کند، مرحوم حاج احمدآقا می گفت نیمه شب ها که امام پا می شود گریه می کند -حالا امام پیرمردی که آن وقتی که ایشان می گفت، مثلاً هشتاد و چند سال یا قریب نود سال سنّش بود- دستمال های معمولی کفایت نمی کند که اشک هایش را پاک کند، حوله دست و رو خشک کنی امام دم دستش می گذارد که اشک هایش را با آن پاک کند؛ خدا هم به او توفیق داد، کمک کرد، به خاطر همین معنویّت، به خاطر همین استغاثه به خدای متعال و توکّل به خدا و درخواست از خدا. شماها جوانید، دل هایتان پاک است، پاکیزه است، گرفتاری‌تان کمتر است و خیلی خوب می توانید این دل ها را متوجّه خدا کنید، نمازها را خوب بخوانید، با دعا و توسّلات اُنس داشته باشید، با ذکر ائمّه (علیهم السّلام) اُنس داشته باشید. و به خصوص من توصیه می کنم نماز شب را تا آن جایی که می توانید، ولو یک وقتی هم نتوانستید، مثلاً قضایش را [بخوانید]، ترک نشود؛ یعنی دنبال کنید این ها را، این ها خیلی اثر می گذارد، نورانیّت می دهد به شما و آن وقت این نورانیّت، به شما کمک می کند در پیدا کردن راه. یک چیزهایی را انسان از این و آن هم هر چه سؤال کند، به درد نمی خورد؛ یعنی گاهی از یک کسی هم یک چیزی می شنود اما در انسان اثری نمی گذارد. اگر آن نورانیّت پیدا شد، دل ها را باز می کند، انفتاح می دهد، بهجت معنوی به انسان می دهد. و شماها جوانید؛ شما هم از این جهت از ماها جلوترید، بهترید، آسان‌تر است برای شما کار تا برای ما.

ان‌شاءا... که خداوند شماها را موفق بدارد؛ ما که شمارا دعا می کنیم، شما هم ما را دعا کنید.

والسّلام علیکم ورحمة ا... وبرکاته

پی نوشت:

۱) در ابتدای این دیدار، حجّت‌الاسلام والمسلمین سیّد علیرضا صدر حسینی (مدیر مؤسّسه عالی فقه و علوم اسلامی) ویکی از حضّار مطالبی بیان کردند.

۲) کتاب البنک اللاربوی فی الاسلام

۳) کوتاه‌تر، محدودتر

۴) کُندی

۵) کُند

۶) وسط